

## کیمیان

**کفر** و **کفران** ارتباط تنگاتنگی با هم دارند؛ چرا که همه کفاران **اهل کفران** هستند و قدر و اندازه **نعمت‌های** بسیار **الهی** از جمله **نعمت** وجود **خویش** را **پاس** نمی‌دارند و به **خویش** تنم **روا** می‌دارند. البته این گونه نیست که همه **کفران** کنندگان و ناسپاسان را **اهل کفر** تشکیل دهند؛ چرا که برخی از **اهل اسلام** و **ایمان** نیز **دچار کفران** **نعمت** هستند.همچنین میان **کفران** و **شکر** نیز ارتباط تنگاتنگی است؛ زیرا **کفران** به یک معنا **تقیض** **شکر** است و **اهل کفران**، **انسانی** است که **شکر** **نعمتی** را به جای نمی‌آورد و آن را می‌پوشاند. چنین رفتاری در **زندگی آدمی** تأثیرات زاینباری را به جا می‌گذارد و آسیب‌های جدی به آن وارد می‌کند. **موضوع کفران** **نعمت** یکی از مهم‌ترین **بندگانهای قرآن** به رفتار **انسانی** است. در **آموزه‌های قرآنی**، به **زمینه‌ها** و **آثار آن** در **زندگی بشر** توجه داده شده و با تبیین آن از مردمان خواسته شده تا به جای **کفران**، **شاکر** **نعمت** وجود و دیگر **نعمت‌های الهی** باشند. آنچه در پی می‌آید، تبیین **نگرش قرآن** به **موضوع کفران** است. <sup>[*منبع نقص دارد*]</sup>

**کفران**، **خصلت ناپسند انسان**

یکی از **خصلت‌های** انسان که در قرآن به نقد و ارزیابی آن پرداخته شده، **صفت کفران** و **ناسپاسی** است. این اصطلاح بیشتر با **نعمت** بیان می‌شود و در زبان مردم، با عنوان **کفران** **نعمت** مورد نقد و سرزنش قرار گرفته است. ریشه این اصطلاح را می‌توان در واژه **کفر** دانست؛ هر چند که در ادبیات عربی برای بیان همین اصطلاح **کفران** **نعمت**، واژه **کنود** نیز به کار می‌رود. در قرآن مشتقات هر دو واژه برای بیان همین مقصود به کار رفته است. **کفر** به معنای پوشاندن است و **کافر** را از آن رو **کافر** نامیدند که روی **حقیقت** را می‌پوشاند و یسه جای حق، **باطل** را می‌جوید و آن را **اصالت** می‌بخشد. بنابراین **کفران** به معنای **کفران** **نعمت**، پوشاندن آن با **ترک** **سپاس** و **شکر** **گزاری** از آن است.(مفردات الفاظ قرآن، **تراب**، **رافع**، **اصفهانی**، ص ۷۱۴. **ذیل** **واژه کفر**)

در زبان **فارسی** **کفران** را با واژه **ناسپاسی** بیان می‌کنند که ضد معنای **شکر** است. از این رو گفته شده: **کفران** به معنای **نشناختن** **نعمت** از **منعم** و **نشاد** **نبودن** به آن و **صرف** **نکردن** آن در **صرفی** که **منعم** به آن **راضی** و **خشنود** است. آیتی از قرآن از جمله **آیه ۷** **سوره ابراهیم** و **آیه ۴۰** **سوره بقره** و **آیه ۱۵۲** **سوره بقره** بر همین معنا دلالت می‌کنند.

خداوند در آیات بسیاری هنگام بیان **خصلت‌های** **انسانی**، یکی از **خصلت‌های** **ناپسند**ی را **کفران** **نعمت** بر می‌شمارد. از جمله این آیات می‌توان به **آیه ۱۴۷** **سوره نساء**، **سوره یوسف** و **۷** و **۳۴** **سوره ابراهیم** اشاره کرد. از این آیات و مانند آن به دست می‌آید که این **خصلت** **ناپسند** که **گاه** از **اهل ایمان** نیز صادر می‌شود، نوعی **کفر** و پوشاندن **حق** است. اینکه برخی از پیامبران از جمله **حضرت سلیمان** (ع) وقتی **تخت** **بلقیس** را نزد **خسود** دید، گفت: **هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَلَنَأْتِيَنَّكَ لِنُفْسِيهِ وَمَنْ أَكْفُرَ فَإِنِّي رَبي غِيْرُ كَرِيْمٍ**؛ این از فضل پروردگار من است تا آزمایشم کند که آیا **شاکرم** یا **ناسپاس**؛ و کسی که **شاکر** باشد **بند** **نفع** **خودش** است و کسی که **ناسپاس** باشد، پس پروردگار من بی‌نیاز است و با **ناسپاسی** اش، به **خودش** **ضرر** می‌زند (نمل، آیه ۴۰)
بنابراین این معناست که همه ممکن است **گرفتار** این نوع **کفران** **نعمت** **سپاسی** شوند؛ هر چند که **اهل ایمان** باشند. از این رو در قرآن از ابتلا و آزمون سخن به میان می‌آید که **اهل ایمان** در هر مرتبه‌ای ممکن است به آن دچار شوند.

از آیات قرآن بر می‌آید که **کفر** و پوشاندن **حق**، **صادق** و **مراستی** دارد که از جمله می‌توان به **کفر** به معنای **انکار** **اصول** **دین** (بقره، آیه ۲۸ و **نساء**، آیه ۱۵۰)، **انکار** **توحید** و **پندیرش** **شرک** (مائده، آیه ۷۳)، **انکار** **رسالت** **پیامبر** (رعد، آیه ۴۳)، **پندیرش** **طاغوت** (بقره، آیه ۱۵۶)، **ترک** **فرائض** **دینی** (آل عمران، آیه ۹۷)، **ارتکاب** **معصیت** (بقره، آیه ۱۰۲) و **کفران** **نعمت** (نمل، آیه ۴۰) اشاره کرد. از **امام صادق** روایت شده که فرموده است: **الْكُفْرُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَلَيَّ خَمْسَةٌ أُوجِبُ، وَتِلْكَ الْآيَاتُ مِنْ الْكُفْرِ فَكُرِّ الْإِيمَ وَذَلِك قَوْلُهُ تَعَالَى: يَكْفُرُ قَوْلَ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَفَرْتُ،** در کتاب خدا به پنج معنا آمده است که معنای سوم آن **کفران** **نعمت** است و سپس به کلام **خداوند** اشاره کرد که حکایت **سخن**

**حجاب** یکی از ارزش‌های اسلامی است و در اسلام دارای جایگاه واقعی است. احادیث بسیاری در باب آن وجود دارد و در قرآن مجید نیز در چند آیه به آن اشاره شده است.

مقاله پیش‌رو اولاً درباره چیستی حجاب و اهمیت بالای آن در اسلام بحث می‌کند.ثانیاً درباره ریشه‌ها و عوامل بی‌حجابی در جامعه اسلامی که امروزه مشکلات زیادی را به دنبال دارد، مطالبی را ارائه می‌دهد و در نهایت نیز به عوامل و راهکارهای جلوگیری از گسترش بدحجابی در جامعه اسلامی و همچنین نقش روحانیت و علمه در جلوگیری از گسترش بدحجابی در جامعه می‌پردازد.

- چیستی حجاب**

در جامعه امروزی حجاب بر این امر معنا می‌شود که زنان زیبایی‌های خود را از چشم نامحرم حفظ کنند. اما معنای حجاب از این گسترده‌تر است.شهاد و الاقام مرتضی مطهری نتیجه تحقیقات لغوی خود را درباره واژه حجاب، چنین بیان می‌کند:«کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب، بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوشش حجاب نیست؛ آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گرد.»(hasanzakeri.blogfa.com)

- اهمیت حجاب در اسلام**

دین مبین اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی از ابتدا تا به حال اهمیت ویژه‌ای برای حجاب قائل بوده تا آنجا که از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمودند: «لَلْهَيْبَةِ زُرِّيْقٌ مَحْمَدًا وَ آلِ مَحْمَدَ وَ مِنْ أَحَبِّ مَحْمَدًا وَ آلِ مَحْمَدِ الْغُفَّافُ وَ الْكَفَّافُ»(بارخدا یا و محمّد و آل محمّد و دوستان آنها پاکدامنی و کفّاف روزی کن)(الکافی، ط – الإسلامیه، ج ۲، ص ۱۴۰).

پیامبر اکرم (ص) که مقام او در نزد خداوند متعال از مقام هر انسان دیگری بالاتر است و هر دعائی که در بارگاه الهی داشته باشد، بدون هیچ کمی و کاستی مستجاب می‌شود، در عوض هر چیزی برای خود و اهل بیت(ع) و دوستانشان خود از خداوند مَنان درخواست پاکدامنی را دارد و این امر نشانگر اهمیت بسیار بالای حجاب در اسلام است.

امیرالمؤمنان علی(ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «فَلْيَكُنَّ بِالْغُفَّافِ وَ تَرْكُ الْفُجُورِ» (برشماستد که پاکدامن باشید و گناهان را ترک کنید) (همان، ج ۵، ص ۵۵۴).

امیرالمؤمنین علی(ع) در حدیث دیگری می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْغُفَّافُ» (بهترین عبادات با عفتی است) (همان، ج ۲، ص ۷۹).

بسا توجه به این احادیث و احادیث متواتر دیگری که راجع به حجاب وجود دارد، به راحتی می‌توان اهمیتی که دین مبین اسلام برای مسئله حجاب قائل شده است، درک نمود.

- ریشه‌های بدحجابی در جامعه اسلامی**

بدحجابی مسئله مهمی است که گریبان گیر جامعه امروزی ما شده و خسارت‌های آن به جامعه به مراتب از خسارت جنگ نظامی بیشتر است. این مسئله که اصطلاحاً به آن «تهاجم فرهنگی» می‌گویند، توسط کشورهای غربی برنامه ریزی شده وهدف آن تخریب بنیان خانواده و تخریب فرهنگ اسلامی کشورهای مسلمان است که در نتیجه آن بی‌غیرتی در جامعه حاکم می‌شود.

عوامل گسترش بی‌حجابی در جامعه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

**الف) فیلم‌های مبتذل ماهواره‌ای**

فیلم‌های مبتذل ماهواره‌ای یکی از عوامل انحرافات جنسی بوده و موجب تقلید جوانان است.خصوصاً خانم‌ها ازباز یگرهای این فیلم‌ها در نوع لباس و پوشش که عمدتاً نامناسب می‌شود و این امر را مُد تلقی می‌کنند درحالی‌که اینکار باعث تحریک جوانان پسر در امور جنسی می‌شود جوانان باید با توجه به آیات قرآن کریم روایات ائمه اطهار(ع) ازبیدن این فیلم‌ها اجتناب کنند و این اصلی‌ترین راه برای سرای جلوگیری از به دام نیافتادن درتله‌های شیطان به وسیله این ابزارها است، چنانچه قرآن کریم دراین باره می‌فرماید: «لَقَدْ لُمْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ آيَاتِهِمْ وَ يُحَافَظُونَ فِرْوَجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لِمَنْ إِِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (به مؤمنان بگو نعمت‌های خود را از آنگاه به نامحرمان آن فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است.خداوند

### معارف

Maaref@Kayhan.ir

## بررسی زمینه‌ها و آثار کفران نعمت در قرآن

# ناسپاسی راهی به سوی خسران ابدی

علی جواهردهی



**نخستین عامل در کفران نعمت بر اساس آیات دیگر قرآن غرق شدن در نعمت‌ها است که او را دچار غفلت می‌کند و همین بهره‌مندی از نعمت‌ها و سرگرم شدن به آن، خود عامل کفران می‌شود. به این معنا که انسان چنان خود را غرق در نعمت می‌یابد که فراموش می‌کند خداوند این نعمت را در اختیار او گذاشته است.**

\*\*\*

**از نظر قرآن، نتیجه طبیعی کفران نعمت، از دست دادن آن نعمت و نعمت‌های دیگر است. از امام سجاد (ع) نقل شده است که کفران نعمت از گناهانی است که موجب تغییر و زوال نعمت الهی می‌شود.**

حضرت سلیمان(ع) است( کافئ، ج ۲، ص ۳۸۹) امیرمومنان علی(ع) نیز می‌فرماید: مَنْ اسْتَعَانَ بِالنِّعْمَةِ عَلَي الْمَعْصِيَةِ فَيُؤْتِ الْكُفْرَ؛ کسی که با نعمت خدا گناه می‌کند، کفران نعمت و ناسپاسی می‌کند. (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۵۲)

بر این اساس می‌توان گفت که مصداقی از کفر و مرتبه‌ای از آن، کفران نعمت است. از این رو خداوند کسانی را که کفران نعمت می‌کنند مورد سرزنش قرار می‌دهد و آنان را اهل هلاکت و دوزخ می‌شمارد. (هود، آیه ۶۰ و یوسف، آیه ۲۸ و ابراهیم، آیه ۲۸ و نزل، آیات ۵۳ و ۵۵ و ۷۱ و ۷۲ و ۸۳ و عبس، آیه ۱۷)
اینکه خداوند در آیه ۲۱۱ سوره بقره و ۷ سوره ابراهیم، کفران نعمت را موجب عذاب شدید الهی می‌داند و در آیه ۱۱۵ سوره مائده کفران نعمت را سبب گرفتار شدن به عذاب سنگ قلمداد می‌کند (تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۱۰۷ و ۱۷۲) و یا در آیات ۷۶ و ۷۷ و ۸۱ سوره قصص ، ناسپاسی و کفران نعمت را موجب نزول عذاب‌های دنیوی معرفی می‌کند، به خوبی بر می‌آید که

- زمینه خسران ابدی**

خداوند در آیاتی از جمله ۴۰ سوره نمل و ۱۲ سوره لقمان، کفران نعمت را زمینه ساز خسران ابدی کفران کنندگان بر می‌شمارد و نسبت به این امر هشدار می‌دهد. به این معنا که خداوند به شخص نعمتی را می‌دهد تا در یک آزمونی معلوم شود که چگونه با استفاده درست یا نادرست از نعمت، از خسران راهایی می‌یابد یا آنکه همچنان در آن دست و پا خواهد زد و در مرداب آن فرو خواهد رفت.

- از دادن نعمت**

از نظر قرآن، نتیجه طبیعی کفران نعمت، از دست دادن آن نعمت و نعمت‌های دیگر است.(رعد، آیه ۱۱) از امام سجاد (ع) نقل شده است که کفران نعمت از گناهانی است که موجب تغییر و زوال نعمت الهی می‌شود. آن حضرت(ع) پس از بیان این مطلب به آیه ۱۱ سوره رعد اشاره و آن را تلاوت می‌کند تا بیان دارد که چه رابطه و نسبت نزدیکی میان کفران نعمت و زوال آن وجود دارد. (تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۶۱ و نیز تفسیر الجامع، ج ۵، ص ۲۷۱)

- گرسنگی و قحطی**

گرسنگی و قحطی از دیگر آثاری است که خداوند در آیه ۱۱۲ سوره نحل برای کفران نعمت بیان می‌کند؛ خداوند در این آیه می‌فرماید که چگونه کفران نعمت باعث سلب آن از جانب خدا و قحطی و گرسنگی در جامعه می‌شود و کسانی که گرفتار کفران نعمت می‌باشند از آرامش و امنیت و اطمینان نسبت به این امور بی‌بهره خواهند بود.

- خوف و ناامنی**

خوف و ناامنی که در ایسن آیه به عنوان پیامد طبیعی کفران نعمت از آن یاد شده، بنابراین آن است که کفران نعمت چگونه موجبات سلب امنیت کفران نعمت را فراهم می‌آورد، بلکه زمینه بحران‌های عمومی نیز می‌شود؛ چرا که افزون بر شاخص، جوامع نیز دچار بحران امنیت و فقدان آن می‌شود و وحشت و ترس بر جامعه حاکم می‌گردد.

- محرومیت از رضایت الهی**

از دیگر آثار کفران نعمت می‌توان به محرومیت از رضایت الهی اشاره کرد. خداوند در آیه ۷ سوره زمر شکر را عامل جلب رضایتمندی بر می‌شمارد. مفهوم مخالف این قضیه وحکم الهی این خواهد بود که کفران نعمت موجب محرومیت از رضایتمندی خداوند می‌شود. بنابراین، کسانی که گرفتار کفران نعمت هستند خود را باید در زمره کسانی بشمارند که خشم و غضب الهی را به جان خرده‌اند و از خشنودی خداوندی محروم گشته‌اند.

- محرومیت از محبت خدا**

همچنین از آیات ۲۷۶ سوره بقره و ۳۸ سوره حج بر می‌آید که کفران نعمت موجب محرومیت از محبت خداوند خواهد بود. در این آیات صراحت بیان شده است که خداوند کفران‌کننده را دوست نمی‌دارد. محرومیت از محبت الهی به معنای ورود به دایره کسانی است که دوزخ، آنها را در بر گرفته است؛ چرا که تنها اهل امنیت و آرامش دنیوی و اخروی کسانی هستند که محبوب خداوند و دوست خداوند بر آنان خشم گرفته و محبوب خدا نیستند، در دوزخ فراق در دنیا و دوزخ آتش در قیامت خواهند سوخت.

- زمینه‌های کفران نعمت**

اما چه علل و عوامل موجب می‌شوند تا شخص از مسیر اصلی ایمان و شکر بیرون رود و گرفتار کفران نعمت شود؟

خداوند در بیان زمینه‌های این مسئله، به پنج عامل اصلی اشاره می‌کند. این عوامل نسبت به کسانی بیان شده است که از اهل ایمان یا اسلام می‌باشند نه اهل کفر و الحاد، با این همه گرفتار کفران نعمت می‌شوند که پیامد طبیعی آن کفر و اهل الحاد است. به این معنا که گناه شخص خود اهل کفر و بی‌دینی است و خداوند را باور نداشته و نمی‌پرسند. چنین شخصی به طور طبیعی اهل شکر و سپاس نیست؛ ولی مشکل از کسی است که اهل اسلام و خدا و ایمان به توحید است، با این همه دچار کفران نعمت می‌شود و شکر گزار نیست.

نخستین عامل در کفران نعمت بر اساس آیه ۲۲ سوره یونس و ۱۱۲ سوره نحل و ۸۳ سوره اسراء و آیات دیگر قرآن غرق شدن در نعمت‌ها است که او را دچار غفلت می‌کند و همین بهره‌مندی از نعمت‌ها و سرگرم شدن به آن، خود عامل کفران می‌شود. به این معنا که انسان چنان خود را غرق در نعمت

معاصی نمی‌کردند، پس می‌بینی که خدا چگونه عطا کرده است به آدمی هر خصلتی را که صلاح او در آن استست و امر دنیا و آخرتش به آن تمام می‌شود.) (توحید مفصل ص ۷۹).

- راهکارهای جلوگیری از گسترش بدحجابی**

همانگونه که گسترش بی‌حجابی دارای دلایل مختلفی است، راهکارهایی برای جلوگیری از گسترش آن نیز وجود دارد که انسان‌ها می‌توانند با رعایت کردن آنها جامعه خود را از فساد و تباهی حفظ کنند و آن را به سوی اهداف اسلامی سوق بدهند.

جلوگیری از گسترش حجاب می‌تواند راهکارهای زیادی داشته باشد که به چند مورد آنها اشاره می‌شود:

**الف) تربیت صحیح فرزندان**

تربیت صحیح فرزندان توسط والدین را می‌توان مهم‌ترین راه هدایت فرزندان دانستست که در شخصیت کودک تاثیر بسیار زیادی دارد. محیط خانواده می‌تواند کودک را به هر سوی هدایت نماید لذا اگر خانواده معتقد به مبانی و احکام اسلامی باشد، کودک نیز در همان مسیر رشد خواهد کرد، اما اگر اعضای خانواده بی‌بند و بار بوده و به مبانی اسلام توجهی نداشته باشد، چه بسا کودک به تقلید از رفتارهای خانواده خود به همان سوی که اعضای خانواده به آن عقیده دارند، گرایش پیدا کند.

- ب) اعتقاد به دین اسلام**

اعتقاد به دین اسلام را می‌توان یکی دیگر از مواردی دانست که باعث جلوگیری از هرگونه انحراف اخلاقی اعم از بی‌حجابی و غیر آن می‌شود چرا که هدف کلی دین اسلام هدایت تمامی انسان‌ها می‌باشد و انسان‌ها را از هرگونه فساد و تباهی پاک می‌گرداند. بنابر آیه نوزدهم سوره مبارکه آل عمران که می‌فرماید **إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ** (مسلماً دین در نزد خدا اسلام است) (آل عمران: ۲/۱۹) دین اسلام به عنوان دین یک واقعی معرفی شده است.

- ج) پرورش از دوستی کردن با افراد ناباب**

پرمیز بودن از دوستی با افراد ناپسب را می‌توان یکی از راهکارهای جلوگیری از بسیاری از انحرافات خصوصا بی‌حجابی دانست، چرا که دوستان و اطرافیان انسان تاثیر به‌سزایی در رفتار و کردار او دارند و انسان پس از مدتی، خوی همسنجی‌شان خود را با مقدار چشمگیری پیدا می‌کند. لذا باید در انتخاب دوستان بینا بود و از معاشرت با افرادی که انحراف اخلاقی دارند، جداً خودداری کرد.شاعر دراین باره می‌فرماید:

دوست تو از تو به یابد      تا تو را عقل و دین بیافزاید.

- د) امر به معروف و نهی از منکر**

اسمر به معروف و نهی‌ی از منکر از فروع بوده و راهسکار دیگری برای مقابیل نامحرم است.

**وقتی که فضای جامعه طوری است که تعداد افراد بی‌حجاب در جامعه بسیار بیشتر از افرادی است که حجاب اسلامی خود را رعایت می‌کنند، این امر باعث می‌شود که جوانان تازه به دوران رسیده، به جامعه خود به دید یک جامعه بی‌حجاب نگاه کنند و طبعاً به سوی این اوضاع گرایش پیدا کنند و خود را با آن وفق بدهند و مانند سایر افرادی که در جامعه هستند لباس بپوشند**

جلوگیری از گسترش بی‌حجابی در جامعه است و در روایات متعددی و کتب حدیثی معتبر شیعه احادیث بسیاری در باب آن آمده است. که خود دلالت بر اهمیت بالای آن دارد.

امام سجاد (ع) دراین باره می‌فرماید: **لِلْهَيْبَةِ صِلَ عَلَي مَحْمَدَ وَ آلِهِ، وَ وَقَفْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا لِيُنْتَهَى هَذِهِ فِي جَمِيعِ آيَاتِنَا لِنَسْتَعْمَلَ الْخَيْرَ وَ هَجْرَانَ الشَّرِّ، وَ شُكْرَ النِّعْمِ، وَ اتِّبَاعَ الشَّنَنِ، وَ مَجَانِبَةَ الْبِدْعِ، وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ، وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ حَيْثُمَا الْإِسْلَامُ، وَ انْتِصَافُ الْبَائِلِطِ وَ إِذْلَابِهِ، وَ نَمْرُؤُ الْحَقِّ وَ إِعْتِرَافِهِ، وَ إِزْهَادُ النَّفَالِ، وَ مَعَاوَنَةُ الصَّغِيْبِ، وَ إِذْرَاقُ الْهَلْفِ»** (بار خدایا آمد و برخی از این عوامل نیز بیان شد. در آخر نیز درباره نقش علما روزهمان توفیق عطا فرما برای انجام نیکی و دوری از بدی و سیاسگزاری از نعمتها و پیروی از سنتها اوجابات و مستحبات) و ترک بدعتها! احداث چیزهایی در دین که از دین نیست! و امر بمعروف و نهی از منکر و حفظ و نگهداری اصول و فروع) اسلام، و نکوشش باطل و نادرستی و فریب نمودن آن، و باری حق و کرامی گردانیدن آن، و ارضاعنی گمراه، و کمک ناتوان، و رسیدن به فریاد ستم رسیده.» (صحیفه سجادهیه، دعای ۱۸).

صفحه ۸
شنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۶
۶ شوال ۱۴۳۸ – شماره ۲۱۶۵۹

می‌یابد که فراموش می‌کند خداوند این نعمت را در اختیار او گذاشته است. این همان چیزی است که از آن به آزمون خطرناک نعمت یاد شده است. همان گونه که فقر زمینه ساز کفر و الحاد در بسیاری از مردمان می‌شود و پیامبر(ص) می‌فرماید که کاد آن بگوین فقیر، کارگر، نزدیک استست که فقر به کفر بینجامد، شماری از مردمان گرفتار آزمون خطرناک نعمت می‌شوند. به کس بسیار کسانی که خوشی زیر دلشان را زده و غرق در نعمت و آسایش و رفاه بودند و از خدا غافل شده و دنیا آنان را به بازی گرفته و گمراه شدند و به دام کفران نعمت و در نهایت کفر افتادند.

دومین عامل از آیات ۲۲ تا ۲۷ سوره کافز به خوبی این معنا آشکار می‌شود که چگونه ثروت ومال فراوان زمینه‌ساز ناسپاسی و کفران در برابر نعمت‌های الهی می‌شود و آدمی را به هلاکت می‌افکند. بنابراین، به همان اندازه که فقر خطرناک است، ثروت و نعمت نیز می‌تواند بازی بزرگ برای بشر باشد. بلکه به نظر می‌رسد که اهل ثروت و نعمت بیشتر از اهل فقر در معرض خطر هستند؛ چرا که آزمون نعمت و ثروت خطرناک‌تر از آزمون فقر است. از این‌رو کمتر اهل ثروتی را می‌توان یافت که به سلامت از دام خسران زندگی دنیوی گریخته باشند و اهل ایمان باشند؛ در حالی که اهل فقر، بیش از آنها متوجه خدایند و کمتر گرفتار می‌شوند.

سومین عامل، اثرات بعدی ثروت و آسایش فراطی است که در قرآن از آن به اتراف یاد می‌شود. عنوان اتراف تنها در حوزه ثروت و نعمت مادی است. بسیاری از اهل جرم و فسق و فجور از اهل اتراف و رفاه هستند. اینان هستند که با عدم استفاده درست از نعمت و ثروت مادی و بهره‌مندی از آن در امور فسق و فجور، خود و جامعه را به تباهی می‌کشاندند.

تفاوت این دو عامل را (ثروت و اتراف) با عامل نخست (مطلق نعمت‌ها) این استست که عوامل اخیر، بیشتر در حوزه نعمت مادی است؛ اما عامل نخست می‌تواند شامل حوزه غیرمادی نیز باشد. به این معنا که خداوند به شخصی نعمت علم و دانش می‌دهد و یا او را اهل بصیرت و معارف الهی می‌کند و قدرتهایی به او می‌بخشد که در شمار علم حضوری و لدنی است، ولی او به جای شکرگزاری از نعمت و بهره‌مندی درست از آن، به سوءاستفاده از علم و نعمت الهی اقدام می‌کند و علم خویش را علیه مردم و خود به کار می‌برد. از آیه ۴۹ سوره زمر برمی‌آید که علم و دانش چگونه می‌تواند خود عامل کفر و الحاد بشر شود و نعمتی که می‌یابست موجب تعالی و تکامل بشر شود، زور و وبال او می‌شود و او را تا مرز خسران ابدی پیش می‌برد. چهارمین عامل مهم در گرایش آدمی به کفران نعمت قدرت است. برخورداری انسان از قدرت و امکانات موجب می‌شود که آدمی خودش را گم کند و حقیقت خویش را به دست فراموشی سپارد و از نعمت قدرت علیه خود استفاده کند و زندگی ابدی خویش را تیه سازد و خسران ابدی را برای خود رقم زند. خداوند در آیات ۲۸ تا ۴۰ سوره نمل به این موضوع توجه می‌دهد که چگونه قدرت مادی می‌تواند شخص را تا مرز سقوط پیش برد و حتی جامعه‌اش را به نابودی و تباهی بکشاند.

البته چنانکه گفته شد، گاه سلب آسایش و آرامش خود عاملی برای کفران نعمت می‌شود؛ به این معنا که شخص به سبب گرفتاری و فقدان نعمتی، چنان جایگاه خویش را در هستی و نسبت به خداوند فراموش می‌کند که افسار اختیار از کف می‌دهد و به کفران رو می‌آورد. به سخن دیگر، کسانی که در یک مورد گرفتار فقدان نعمتی، بنابراین آسایش می‌شوند، خود را می‌یازند و با ابتیالی به آزمون سلب نعمت، عنان اختیار خویش را از دست داده و مایوس و نومید شده و به سمت کفران نعمت‌های دیگر می‌روند. خداوند در آیاتی از جمله ۹ سوره هود و ۴۸ سوره شوری نشان می‌دهد که چگونه یک سلب نعمتی، برخی را چنان نومید و مایوس می‌کند که کفر و نگر از پیشه خویش می‌سازند.

به هر حال، کفران نعمت در انسان‌هایی که حتی مومن هستند می‌تواند زمینه ساز کفر شود و آنان را گرفتار عذاب الهی در دنیا و آخرت کند. قارون و بلعم باعورا از جمله کسانی هستند که با کفران نعمت ثروت و علم خویش، و تباهی عذاب در برابر ثروت خویش، بنابراین آسایش می‌تواند ثروت خویش گرفتار هلاکت شدد و زمین او را بلعید و آن دیگری نیز علمش او را فریفت و مغضوب خداوند شد.

پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمودند: **«إِذَا تَرَكَ أُمَّرُؤُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْتِ بِبُوقَاعٍ مِنَ اللَّهِ هَلْ أَشْهُهُ»** (هر گاه امت من امر به معروف و نهی‌ی از منکر را ترک کند، باید خود را آماده عذابی از جانب خداوند بزرگ سازد.) (محمد بن علی بن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص: ۲۵۵).

این احادیث و احادیث بسیار دیگری که در کتب حدیثی درباره امر به معروف و نهی‌ی از منکر روایت شده است دلالت بر اهمیت بالای آن در دین مبین اسلام دارد.

- یاد مرگ**

یاد مرگ باعث جلوگیری از انجام بسیاری از گناهان اعم از بی‌حجابی و غیر آن می‌شود. در باب یاد مرگ و قیبر و قیامت احادیث بسیار زیادی وجود دارد، حتی در برخی از احادیث دیدار اهل قبور بسیار پیشنهاد شده است چرا که این کارها باعث می‌شود که انسان خود را دریابد و بداند که این دنیا مزرعه آخرت است و اگر غفلت ورزد، دیگر فرصت جبرانی نخواهد بود و در روز جزا و روز سزا خواهد گشتست. بنابراین اگر انسان همیشه به یاد آخرت خود باشد هیچگاه دچار انحراف نخواهد شد. امام سجاد (ع) در مناجات‌های خود در این‌باره می‌فرماید: «ای خداوند، ما را از فریب سراب آرزوها به سلامت دار و از شر و فساد آن ایمنی بخش و مرگ را در برابر ما بدار و روزی مباد که از یاد مرگ غافل باشیم» (صحیفه سجادهیه، دعای ۴۰).

- ومعرفی فلسفه حجاب برای جامعه**

افرادی که می‌دانند اهمیت حجاب در دین مبین اسلام چقدر است، و از مقام بالای آن خبر دارند باید برای سایر افراد نیز این امر را روشن سازی کنند و فلسفه حجاب را برای جامعه تبیین نمایند. تا مردم از اهمیت بالای آن خبر داشته باشند، چرا که بسیاری از افراد، حجاب را یک امر بی‌خود تلقی می‌کنند و آن را سبک می‌شمارند و به آن چندان توجهی ندارند و همه اینها به این خاطر است که از مقام و ارزش والای آن در جامعه خبر ندارند. از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که می‌فرماید: **«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْغُفَّافُ»** (ترین عبادت‌ها حجاب است.) (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی ط – الإسلامیه، ج ۲، ص: ۷۹).

این حدیث و احادیث معتبر بسیار دیگری که در باب ارزش حجاب و عفاف آمده، مؤید مقام والای آن در اسلام است.

- حفظ روحانیت و علمای اسلام در جلوگیری از بدحجابی و فرهنگ‌سازی حجاب**

روحانیتون و علمای اسلام، در دین اسلام دارای مقام والایی بوده و به عنوان مبلغان دین مبین اسلام نقش بسیار زیادی در حفظ و نگهداری ارزش‌های اسلامی دارند. تا حدی که پیغمبر اکرم (ص) در حدیثی گویبار در این‌باره می‌فرماید: «علماء أمتی أفضل من أنبياء بني إسرائيل» (علماء امت من از انبیاء بنی اسرائیل برترند.) (محمد بن محمد مفید، کتاب العزاز – مناسک العزاز اللمفید، المقدمه، ص: ۶). این حدیث گویبار در ابتدا معتبر حدیثی شیعه به کرات به چند صورت روایت شده است و همه کتب معتبر دین مبین سندن آن می‌کنند. بنابراین، علمه و روحانیتون می‌توانند با فرهنگ سازی حجاب اسلامی در جوامع اسلامی نقش بسیار زیادی درحفظ و نگهداری آن داشته باشند.

- نتیجه‌گیری**

پس از ارائه مطالبی درباره چیستی حجاب، درباره اهمیت بالای حجاب در دین مبین اسلام بحث شد و احادیثی نیز در باب آن آورده شد. سپس به بحث درباره ریشه‌ها و عوامل بی‌حجابی در جامعه اسلامی پرداخته شد و بعضی از این عوامل ذکر شد که عبارت بودند از: فیلم‌های مبتذل ماهواره‌ای، عدم تربیت صحیح فرزندان در محیط خانواده، تبعیت از فرهنگ اروپایی و آمریکایی، حضور برزنگ افراد بی‌حجاب در جامعه، بقین نداشتن به وجود دنیایی به